

قیزیل باش‌ها

صمد شفیع زاده

➤ مقدمه

درباره ریشه واژه قیزیل باش آراء و نظرات گوناگونی ارائه شده است.

مفهوم ویژه واژه قیزیل باش‌ها عموماً در اوایل به ترک‌های آذربایجان و آسیای صغیر اطلاق می‌شد. در این مقال تنها به طور خلاصه به مفهوم، تاریخچه، آیین و سنت‌های قیزیل باش‌ها - با تاکید بر قیزیل باش‌های آسیای صغیر - اشاره خواهیم نمود.



ترک‌ها به سبب ظلم و ستم حاکمان عباسی و اموی با گرایش بیشتر به اسلام شیعی با آمیزه‌ای از اعتقادات باستانی خود در گسترش مذهب شیعی تلاش‌های وافر نمودند. در اسطوره‌های ترک‌ها، حضرت علی - امام اول شیعیان - با الهه آسمان‌ها مقایسه شده است. آنان اعتقادات باستانی خود را با اسلامیت تلفیق نموده بودند. واژه علوی بر اساس معلومات ارائه شده توسط برخی از نویسندگان ترک با استناد به منابع و مأخذ ترک، چین، عرب و روس؛ برای نخستین بار - به مفهوم امروزی - در ربع اول قرن ۹

میلادی مصطلح شده است. علویت؛ به سبب تاکید بر عقلانیت در طی قرون متوالی با مهاجرت اقوام ترک به سمت آسیای صغیر نارسا می‌نمود. زین سبب مهاجران به سمت قیزیل باش‌ها که بیشتر اقتدار سیاسی و اجتماعی را هدف قرار داده بودند، گرایش پیدا کرده بودند.

قیزیل باش‌های آناتولی خود را از نوادگان شیخ صفی می‌دانند. و ایشان را پیر و مراد خود می‌نامند.

آیین و سنت قیزیل باش‌ها توسط زعمایی چون حاجی بکتاش ولی و شاه اسماعیل تئوریزه و بنیان‌نهاد شده.

نمود عملی آیین و طرز زندگی بکتاشی - علوی را قیزیل باش گفته‌اند. دکترین سیاسی و هدف استراتژیک آنان ایجاد حکومت مقتدر شیعه مذهب بوده است.

➤ تاریخچه پیدایش قیزیل باش‌ها

مزدکیان، در زمان ساسانیان کلاهی طلائی رنگ بر سر نهاده و لباسی سرخ‌گون بر تن می‌کردند. بعد اسلام باطنیان نیز مانند آنان خود را می‌پوشانیدند. زین سبب آنان را "محمرة" نیز نامیده‌اند. ترکان اوغوز، به استناد اسطوره‌ها و منابع متعدد، تن پوشی سرخ رنگ داشته‌اند. به باور قیزیل باش‌ها تاریخ پیدایش واژه قیزیل باش به جنگ احد بر می‌گردد. در آن نبرد، آن دم که حضرت علی خود را سپر پیامبر اسلام در برابر شمشیر برافراشته کافران نمود به سبب زخم آن ضربه خون از سر آن بزرگوار سرازیر گشت. بعد از آن؛ ترکان، حضرت علی را قیزیل باش نامیده‌اند. و نیز گفته‌اند در جنگ صفین یاران علی کلاهخودی سرخ رنگ بر سر داشتند. اتحاد و اجتماع علویان، نخستین بار به زعمات زعیم عالیقدر بابا الیاس خراسانی (۱۲۴۰ - ؟)، آنگاه حاجی بکتاش ولی (۲-۱۲۷۱ - ۱۰-۱۲۰۹) و شیخ بدرالدین (۱۴۲۰ - ۱۳۵۷) و النهایه به رهبری شاه اسماعیل ختایی انجام گرفت. اتحاد و اجتماع آنان با گردهمایی پیران منسوب به خانقاه‌ها و اماکن متبرکه سیدها در دو همایش به شکل عملی به اجرا درآمد. نخستین همایش در مرغراهای ساری قایا واقع در ارزینجان - ترجان به سال ۱۵۰۰ میلادی برگزار گردید.

بر اساس تصمیم متخذه، دولت قیزیل باش های صفوی بنیان نهاده شد. دومین همایش در نزدیکی سیواس به سال ۱۵۰۹ برگزار گردید. در این همایش استراتژی سیاسی و نظامی دولت نوبنیاد مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. حدود و ثغور سرحدات دولت جدید از غرب به رودهای دجله و فرات و از شرق به دریاچه آرال اعلام گردید. عظمت و اقتدار حکومت قیزیل باش ها با وفات شاه اسماعیل رو به افول نهاد. و رفته - رفته آریستوکرات ها و فتودال های محلی حکومت را در دست گرفتند. قیزیل باش ها بعد از انقراض سلسله صفویان به اماکن متبرکه و خانقاه ها روی آورده و پروسه نظامی گری را کناری نهاده گوشه نشینی و عزلت اختیار نمودند و در انتظار ظهور منجی عالم بشریت به تهذیب نفس و ترویج آیین خود می پردازند.

قیزیل باش ها در گرماگرم منازعات بین عثمانی ها و صفوی ها؛ علاقه وافری به ایران نشان می دادند. آنانی که از ایران به آناتولی می آمدند. قیزیل باش ها را به اتحاد و یکپارچگی فرا می خواندند. خیزش و عصیان های متعددی در طی سالیان متوالی از طرف قیزیل باش ها بر علیه حاکمان محلی به وقوع می پیوست. خیزش شاه قلی (وفات ۱۵۱۱) که در برابر خانان قاراگوز پیروز شده بودند. توسط وزیر اعظم، خادم علی سرکوب شدند. و نیز متعاقباً عصیان قیزیل باش ها به دست سلطان سلیم قبل از نبرد خونین چالدران سرکوب شد. انقلاب و خیزش قلندر (۱۵۶۷) در زمان سلیمان اول به دست صدراعظم ابراهیم پاشا به شکست انجامید. شخصی که به کذب ادعا می نمود شاه اسماعیل صفوی است و از سوریه عازم جنوب شرق آناتولی شده بود با گردآوری ۵۰۰۰۰ نیرو بر علیه عثمانی ها به پا خواسته بود. قیام وی نیز به شکست انجامید. دولت عثمانی متعاقب ابرام دول اروپایی بر حفظ حقوق اقلیت ها؛ علویان، بکتاشی ها و قیزیل باش ها را به رسمیت شناخت.

قیزیل باش ها در لرستان، کردستان، همدان، تهران، مازندران، فارس و در آذربایجان در شهرهای ماکو و تبریز زندگی می کنند. در ترکیه؛ بیشتر در دوبروجه تراکیا، دلی اورمان، ادرنه، قیرقلار ائلی، اطراف اسکی شهر، بالیک اسیر، نارلی دره از میر، سیواس، چوروم، مجید اوزو، سونقورلو، اسکلیپ، دیو ریگی، تونجلی، مالاتیا، ارزینجان، ارضروم، آنتالیا و حاتای ساکنند. آنان بیشتر در مراکزی که قیزیل باش ها در اکثریت اند زندگی می کنند. قیزیل باش ها را به استناد نام طوایفی که شیخ حیدر صفوی و فرزندانش را یاری نمودند؛ نامگذاری کرده اند. در ماکو، قره قویونلو، در ارومیه، ابدال بیگ، در قره داغ، شاملو در قاراباغ و ماوراء قفقاز، ملی نامیده اند. در استان فارس به اهل حق و در مشهد و اطراف آن به علی الهی نیز مشهورند.

➤ اعتقادات و باورهای قیزیل باش ها

اعتقادات قیزیل باش ها به شدت تحت تاثیر افکار و اندیشه های بکتاشی ها بوده است. طرفداران بکتاشی، به آسانی می توانند وارد جرگه آنان شوند. در حالی که برای قیزیل باش شدن حتماً باید از سلاله قیزیل باش ها بود.

بکتاشی ها، قیزیل باش ها را به محافل خود راه نمی دهند در حالی که قیزیل باش ها، بکتاشی ها را به مراسم و همایشهای خود دعوت می کنند. امروزه، قیزیل باش ها به دو شاخه تقسیم شده اند؛ گروه اول به خانقاه خود وابسته اند و گروه دیگر به چلبی های بکتاشی پیوسته اند. قیزیل باش ها، حضرت علی را هم اندازه پروردگار جهانیان، تا حد پرستش دوست می دارند. آنان، هنگام مرگ و در لحظه شهادتین نام حضرت علی (ع) را بر زبان می آورند.

به باور آنان، پروردگار جهانیان، در وجود حضرت محمد و علی تجلی یافته است. قیزیل باش ها به ۱۲ امام و ۱۴ معصوم معتقد اند. آنان کلمه توحید را همه حال بر زبان آورده، از کبر و غرور، دل شکستن و کینه ورزی دوری می جویند. و بر هفت سنت ذیل پایبند اند.

۱- محرم اسرار و سنگ صبور دیگران بودن

۲- همراه و همزبان با سایر هم کیشان بودن

۳- از دروغگویی و بهتان دوری جستن

۴- از مربی اطاعت نمودن

۵- مراقب یاران بودن

۶- احترام به پوشش قیزیل باش ها

به تولا (دوست داشتن علی و فرزندان او و دوستداران آنها) و تبرا (دوری جستن از دشمنان علی و فرزندان او و دوستداران دشمنان آنها) ایمان راسخ دارند. به علت اعتقاد به درستی در معاملات از کاربرد ترازوی - که شاید دچار اشتباه محاسبه شود - امتناع می ورزند. و عموماً آشیایی را که قابل شمارش اند معامله می کنند. آنان طلاق همسر را حرام می دانند. درجات دینی قیزیل باش ها عبارتند از؛

- ۱- خلیفه: خلفای قیزیل باش ها در زمان صفویان از ایران فرستاده می شدند. بعدها چلبی هایی بکتاشی به عنوان خلیفه برگزیده می شدند. آخرین آنان احمد جمال الدین نامی بود که در زمان مصطفی کمال پاشا می زیستند.
- ۲- پیر: امور دینی قیزیل باش ها را رهبری می کنند. آنان خود را از سلاله حضرت محمد می دانند.
- ۳- مربی: به شکایت ها رسیدگی نموده، تربیت اعضای جدید را بر عهده دارند.
- ۴- رهبر: برگزاری مراسم و آیین های دینی را رهبری می کنند. عموماً به سنن و آداب هم کیشان خود اطلاع کاملی دارند.
- ۵- مصاحب: همواره، همراه نوآموزان بوده به تعلیم آیین خود به آنان می پردازند.
- ۶- طالب: به کسانی اطلاق می شود که طالب یادگیری آیین قیزیل باش ها هستند.

➤ مراسم و آیین های مذهبی قیزیل باش ها

قیزیل باش ها در ماه محرم به احترام و پاسداشت یاد جان باختگان دشت کربلا، عزاداری نموده ۳ روز روزه می گیرند. بیشتر آیین ها و مراسم های دینی قیزیل باش ها در فصل زمستان انجام می گیرد. پیران، با پایان یافتن فصل کار و اتمام زمان داشت و برداشت محصول برای هدایت مراسم طالب ها؛ روستا به روستا می گردند. در دهاتی که پیر بر آن وارد شود، خانه ای را مهیا نموده در شب جمعه "آیین جمع" در آن برگزار می کنند. پیر در این مراسم کنار آتش می نشیند طالب ها از کوچک به بزرگ بر زانو کنار وی می نشینند. شبانگهان بعد اتمام مناظرات دستها به شکل خاصی شسته شده، مراسم آغاز می گردد. دست در دست هم به یاد ۱۲ امام اشعار و وردهایی خوانده می شود. ذکر می گویند، معراج نامه می خوانند، به سماء می پردازند. مصاحب ها دو به دو در زیر چوبی که پیر با دست نگه داشته است دراز می کشند و به شکل نمادین عمل مرگ و رستاخیز به اجرا در می آید.



پیر، بعد از مرگ نمادین، آنان را شستشو می دهد و آنگاه با دعای پیر، مردگان دیگر بار زنده می شوند. و تولد دوباره به نمایش در می آید. آنان از ظرف مشترکی آب می نوشند و صلوات به یاد تشنه لب دشت کربلا فرستاده قاتل وی را لعن و نفرین می کنند. بعد گلبانگ، سفره پهن نموده از گوشت گوسفند قربانی تناول می کنند. بعد از غذا، اعاناتی برای تهیه شمع جمع آوری می شود. آیین پرسش و پاسخ در پنجشنبه شب ها برگزار می شود.

در نیمه شب بعد از مناظرات و مشاجرات معمول، به یاد ۱۲ امام اشعاری خوانده می شود و از آنانی که درخواست عضویت دارند سوالاتی پرسیده می شود. و آنانی که خطایی مرتکب شده اند بازخواست شده، پیر در موردشان حکم صادر می کند. قیزیل باش ها، نوروز را روز میلاد حضرت علی می دانند و به صورت عید بزرگ جشن می گیرند. بعد از آن مراسم پیر به محل زندگی خود باز می گردد. در طی بهار مراسم و آیینی برگزار نمی شود. قیزیل باش ها، در قرون ۱۵ لغایت ۱۸ میلادی با توجه به بعد مسافت به جای سفر حج به زیارت آرامگاه شیخ حیدر در اردبیل می رفتند. از دیگر اماکن متبرکه قیزیل باش ها می توان به آرامگاه حضرت علی در نجف اشرف، آرامگاه حضرت حسین در کربلا، آرامگاه های حضرت موسی الکاظم و محمد النقی در کاظمین اشاره نمود. تاختاچی های دوره گرد و کوچ رو نیز از قیزیل باش ها هستند. با توجه به آیین خاموش نمودن شمع در مراسم شام غریبان و دیگر آیین های شبانگاهی به "شمع سوندوره نلر" (خاموش گران شمع) نیز مشهورند. در ایران زمین نیز آیینی همانند آن به نام "چراغ کوشان" مرسوم است.

مستدعی است؛ نظر، انتقاد و پیشنهاد خود را درباره این مقاله با نگارنده در میان بگذارید.

info@shafizadeh.net & shafizadeh_f@yahoo.com

➤ عنوان مقاله: قیزیل باش ها

➤ نوشته: صمد شفیع زاده